

The Review of Legal Aspects of Judges' Retirement in the Light of Laws, Regulations and Judicial Procedure

Aliakbar Masoumi¹

Assistant Professor, Faculty of Law, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Ahar, Iran, masumi93000@gmail.com

Date Received 2023/01/25

Date of correction 2023/04/29

Date of Release 2023/05/07

Abstract

Among the issues related to the employment rights of judges, the issue of retirement has particular importance. Considering that there are many legal ambiguities in Iran's legal system regarding the judges' retirement conditions and the fair enjoyment of the right to retirement by judges faces limitations and challenges, the present article, using descriptive-analytical method and based on library studies It has studied and analyzed the approach of the Iranian legal system to the retirement of judges and by looking at the situation in some foreign countries, it has also explained their approach to the retirement of judges. This article findings indicate that, on the one hand, the conditions of judges' retirement (retirement based on age and years of contribution) and the basis for calculating their pensions differ greatly from other government employees, and on the other hand, the inadequacy of the pension Retirement, considering the amount of contribution paid by them, the limitations of transfer of contribution period and the lack of right to choose their pension fund or change the pension fund during employment, are the most important current challenges of the right to retirement of justice judges in Iran. For this reason, in order to overcome or adjust these challenges, it seems necessary to make legal reforms.

Key words: Right to pension, inadequacy of benefits, retirement pension, transfer of contribution period, pension fund

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

فصلنامه حقوق اداری

سال دهم، تابستان ۱۴۰۲، شماره ۳۵

مقاله علمی پژوهشی

بررسی ابعاد حقوقی بازنشستگی قضات دادگستری در پرتو قوانین،

مقررات و رویه قضایی

علی اکبر معصومی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

چکیده

در میان مسائل مربوط به حقوق استخدامی قضات، موضوع بازنشستگی از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به اینکه در نظام حقوقی ایران در خصوص شرایط بازنشستگی قضات، قوانین و مقررات پراکنده و ابهامات قانونی متعددی وجود دارد و بهره‌مندی عادلانه قضات از حق بر بازنشستگی با محدودیت‌ها و چالش‌هایی مواجه است، مقاله کنونی، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل رویکرد نظام حقوقی ایران به بازنشستگی قضات دادگستری پرداخته است و با نگاهی به وضعیت موجود در برخی کشورهای خارجی، رویکرد آنها نسبت به بازنشستگی قضات را نیز تبیین نموده است. یافته‌های این مقاله، دلالت بر آن دارد، از یک سو، شرایط بازنشستگی قضات (بازنشستگی بر اساس سن و سنوات خدمت) و مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی آنان با سایر مستخدمان دولت، تا حد زیادی تفاوت دارد و از دیگر سو، عدم کفایت مستمری بازنشستگی با توجه به میزان حق بیمه پرداختی از سوی قضات، محدودیت‌های انتقال سوابق بیمه‌ای و فقدان حق انتخاب صندوق بازنشستگی و یا تغییر صندوق بازنشستگی در دوران اشتغال، مهم‌ترین چالش‌های کنونی حق بر بازنشستگی قضات دادگستری در ایران هستند. به همین دلیل، به منظور برون رفت یا تعدیل این چالش‌ها انجام اصلاحات قانونی، ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: حق بر بازنشستگی، عدم کفایت مزایا، مستمری بازنشستگی، انتقال سوابق، صندوق بازنشستگی

۱. استادیار دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آذربایجان شرقی، ایران.

dr.masumialiakbar@yahoo.com

مقدمه

عملکرد مطلوب نظام قضایی هر کشوری در درجه نخست در گرو عملکرد مطلوب قضات آن است. بدون تردید یکی از عواملی که در نحوه عملکرد قضات تاثیرگذار می‌باشد، میزان توجه نظام حقوقی هر کشور به حقوق استخدامی آنان است. در میان حقوق استخدامی قضات، حق بازنشستگی از جمله حقوقی است که در طول دوران حیات شغلی قضات، به‌طور مستمر با اشتغال آنان پیوند خورده است. به همین جهت امروزه در نظام حقوقی بیشتر کشورها سازکارهایی برای حمایت از این حق پیش‌بینی شده است.

در نظام حقوقی ایران نیز حق بر بازنشستگی قضات و حقوق مرتبط با آن در قوانین مختلف پیش‌بینی شده است و از آنجایی که در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۲)، یکی از صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری، «رسیدگی به شکایات قضات... از حیث تضييع حقوق استخدامی»، دانسته شده است، حقوق مربوط به بازنشستگی قضات (به‌عنوان یکی از حقوق استخدامی آنان)، همواره مورد توجه نظام قضایی ایران نیز بوده است.

با وجود آنکه قوانین متعددی به موضوع بازنشستگی قضات توجه نشان داده‌اند و برای بهره‌مندی از این حق، سازکارهای قانونی متعددی در نظام حقوقی ایران ایجاد شده است اما در خصوص مسائل مربوط به حقوق بازنشستگی قضات، ابهامات قانونی و چالش‌هایی وجود دارد. این ابهامات قانونی که عمدتاً به دلایلی چون تعدد و پراکندگی قواعد مرتبط با بازنشستگی قضات باز می‌گردد، از یک سو، قضات را در شناسایی حقوق قانونی خود با چالش مواجه نموده است؛ به طوری که بیشتر قضات، اطلاعات کافی و دقیق از شرایط و ضوابط بازنشستگی خود ندارند^۱ و از دیگر سو، مراجع رسیدگی کننده به حقوق استخدامی قضات بویژه شعب دیوان عدالت اداری را در احقاق حق با چالش مواجه کرده است؛ به طوری که تعارض در آرای صادره میان برخی از شعب در این زمینه، صدور آرای وحدت رویه از سوی هیات عمومی را به دنبال داشته است.

با توجه به ابهامات و چالش‌های موجود در کنار اهمیت موضوع بازنشستگی قضات در ایران، مقاله کنونی به بررسی رویکرد قوانین، مقررات و رویه قضایی به بازنشستگی قضات خواهد پرداخت. در این راستا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای، در دو قسمت

۱. به نقل از: نامه شماره ۴۰۷/ص/۵۰۲۶، مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۲ مدیرکل صندوق بازنشستگی کشوری استان مازندران

مجزا ابتدا در قسمت نخست، شرایط برقراری حقوق بازنشستگی قضات و مبنای محاسبه آن تبیین می‌شود و در قسمت دیگر، چالش‌های بازنشستگی قضات در نظام حقوقی ایران بررسی خواهد شد.

۱. شرایط بازنشستگی قضات و مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی آنان

بازنشسته شدن قضات که موجب برقراری مستمری بازنشستگی برای آنان می‌شود، تابع شرایط متعددی است. به همین جهت در این قسمت ابتدا شرایط بازنشستگی قضات بر اساس قوانین و مقررات و رویه قضایی، تبیین می‌شود و پس از آن در مورد مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی آنان، توضیح داده خواهد شد.

۱-۱. شرایط بازنشستگی قضات

در نظام قضایی ایران، قضات دادگستری همانند سایر مستخدمان دولت معمولاً با احراز یکی از دو شرط سنوات خدمت یا سن می‌توانند بازنشسته شوند.

۱-۱-۱. بازنشستگی بر اساس سنوات خدمت

بازنشستگی بر اساس سنوات خدمت، بدین معنی است که شخص با داشتن سابقه بیمه‌پردازی به میزان مشخص می‌تواند، بازنشسته شود. در نظام حقوقی ایران، بر اساس ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری (مصوب ۱۳۶۸)، اصل بر آن است که قضات با داشتن ۳۰ سال «سابقه خدمت قابل قبول از لحاظ بازنشستگی»، صرفنظر از میزان سن می‌توانند بازنشسته شوند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که منظور این قانون از عبارت «سابقه خدمت قابل قبول از لحاظ بازنشستگی» چیست؟

در پاسخ باید گفت: منظور از آن، سابقه خدمت دولتی است که عمدتاً شامل موارد زیر است؛ نخست، سابقه خدمت دولتی‌ای که کسور یا حق بیمه آن به صندوق بازنشستگی کشوری پرداخت شده باشد؛ مانند زمانی که شخص پیش از اشتغال به قضاوت به‌عنوان مستخدم رسمی در قوه قضاییه اشتغال داشته است. این سابقه به‌عنوان سابقه خدمت رسمی، تلقی می‌شود و در صورتی که جمع آن با سابقه خدمت رسمی در شغل قضاوت، موجب سابقه خدمت به میزان سی سال شود، شرایط بازنشستگی فراهم خواهد شد. البته این سابقه خدمت باید تمام وقت باشد تا سابقه خدمت قابل قبول به شمار آید. دیوان عدالت اداری در برخی از آرای صادره، در این خصوص چنین بیان داشته است: منظور از سی سال سابقه خدمت برای بازنشستگی، صرفاً سی سال سابقه بیمه‌پردازی

نیست، بلکه سی سال سابقه خدمت «تمام وقت» در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا سوابق خدمتی است که به موجب قوانین خاص، خدمت دولتی به شمار می‌رود (دادنامه شماره ۲۳۹۴، مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۵ هیات عمومی دیوان عدالت اداری).

دوم، سنوات خدمت دولتی که بابت آن، کسوری به صندوق بازنشستگی کشوری، پرداخت نشده باشد. این فرض، خود بر دو قسم است که عبارتند از:

۱. مستخدم دولت، بدون آنکه دستگاه محل کار یا خدمت وی تغییر نماید، وضعیت استخدامی وی تغییر کند؛ به‌عنوان مثال، مستخدم پیمانی قوه قضاییه (که مشمول بیمه تأمین اجتماعی بوده است)، با اخذ پایه قضایی، مستخدم رسمی شود. در این صورت، سوابق خدمت دولتی این مستخدم که کسور بازنشستگی مربوط به آن به صندوق بازنشستگی کشوری پرداخت نشده است با پرداخت کسور بازنشستگی بر مبنای ۹ درصد حقوق و فوق‌العاده شغل و تفاوت تطبیق در بدو خدمت رسمی، جزو مدت خدمت رسمی وی محسوب خواهد شد (ماده ۸۵ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۶۸ و تبصره‌های آن).

۲. دارنده پایه قضایی، پیش از اشتغال در منصب قضاوت، در دستگاه دولتی دیگر اشتغال داشته و عضو صندوق بازنشستگی دیگر (متفاوت با صندوق بازنشستگی کشوری) بوده باشد. در این فرض، به موجب قوانین موجود، حق بیمه یا بازنشستگی و سوابق خدمت اشخاصی که وجوهی را به هر یک از صندوق‌های بیمه یا بازنشستگی یا صندوق‌های مشابه پرداخت نموده‌اند، در صورتی که محل کار یا خدمت آنان تغییر نموده و به تبع آن از شمول خدمات صندوق مربوط خارج شده باشند یا طبق ضوابط قانونی، مشترک صندوق دیگری شده باشند، با انتقال سوابق بیمه و پرداخت ما به التفاوت مقرر، جزء سنوات خدمت از لحاظ بازنشستگی و وظیفه محسوب می‌گردد (مواد ۲ و ۳ قانون نقل و انتقال سوابق حق بیمه یا کسور بازنشستگی بین صندوق‌های بازنشستگی و تجميع سوابق بیمه‌ای اشخاص، مصوب ۱۴۰۲).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت: «سابقه خدمت قابل قبول از لحاظ بازنشستگی»، شامل موارد فوق است؛ بنابراین، سابقه خدمت شخص در بخش خصوصی (سابقه خدمت غیردولتی) جزو «سابقه خدمت قابل قبول از لحاظ بازنشستگی» به شمار نمی‌آید.

نظام قضایی ایران نیز در مورد «سابقه خدمت قابل قبول از لحاظ بازنشستگی»، چنین رویکردی دارد؛ به‌طوری که در یکی از آرای صادره، دیوان عدالت اداری بیان داشته است: در خصوص شکایت مذکور (به خواسته الزام به احتساب سنوات خدمتی شرکتی به عنوان سنوات خدمتی)، نظر به اینکه به

دلالت ماده واحده قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری کارکنان دولت (مصوب ۱۳۷۲)، سابقه خدمت شاکی در مؤسسات غیر دولتی صرفاً در تعیین حقوق بازنشستگی مؤثر می‌باشد و سنوات خدمت غیر دولتی در محاسبه سنوات خدمت دولتی منظور نمی‌گردد؛ در نتیجه با این وصف شکایت، غیر وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۲)، حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌دارد (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۸۲، مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۱ شعبه دهم دیوان عدالت اداری).

قاعده کلی امکان بازنشستگی با سی سال سابقه خدمت، استثنائاتی نیز دارد؛ بدین معنی که به موجب برخی قوانین، امکان بازنشستگی برای قضات با داشتن ۲۵ سال سابقه خدمت وجود دارد؛ نخستین مورد، قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری (مصوب ۱۳۶۸) است که به موجب تبصره ۱ ماده ۲ آن، قضات اعم از مرد و زن با داشتن ۲۵ سال سابقه خدمتی به ترتیب در صورت داشتن ۵۰ و ۴۵ سال سن، به درخواست خود و موافقت دستگاه دولتی متبوعشان می‌توانند، بازنشسته شوند. بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهد در عمل نیز بسیاری از قضات (بویژه در سال‌های اخیر) از این سازکار قانونی بازنشستگی پیش از موعد استفاده کرده‌اند.

دومین مورد، قانون نظارت بر رفتار قضات (مصوب ۱۳۹۰) است. به موجب ماده ۱۳ این قانون، یکی از مجازات‌های انتظامی، «خاتمه خدمت از طریق بازنشستگی با داشتن حداقل بیست و پنج سال سابقه» می‌باشد. در این فرض با حکم صادره از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات، به‌عنوان مجازات انتظامی، به خدمت دارنده پایه قضایی، پایان داده می‌شود که البته این مورد نیز از آن جهت که بازنشستگی به عنوان یک مجازات به شمار آمده است (مجازات بازنشستگی)، قابل انتقاد است. بازنشستگی پیش از موعد به شرح موارد فوق، بر حقوق بازنشستگی قضات تأثیرگذار است؛ به‌طوری که قضاتی که با کمتر از سی سال سابقه، بازنشسته می‌شوند، میزان مستمری آنان بر اساس سنوات خدمتی آنان احتساب و نسبت به اشخاصی که با سی سال سابقه بیمه پردازی، بازنشسته شده‌اند (به نسبت سنواتی که کسری دارند)، کمتر خواهد بود.

۲-۱-۱. بازنشستگی بر اساس شرط سنی

بر اساس ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری (مصوب ۱۳۴۵)، قضات در صورت داشتن ۶۰ سال سن، با هر میزان سابقه خدمت می‌توانند تقاضای بازنشستگی دهند. اگرچه در نظام حقوقی ایران، قضات پس از رسیدن به این سن می‌توانند همچنان به اشتغال خود ادامه دهند اما بررسی‌های به‌عمل آمده

نشان می‌دهد بیشتر قضاات با رسیدن به سن ۶۰ سالگی (عمدتاً با هدف اشتغال به وکالت دادگستری)، درخواست بازنشستگی می‌دهند.

سن بازنشستگی قضاات در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر کمتر است؛ به‌عنوان مثال در نظام قضایی کشور کانادا قضاات عمدتاً می‌توانند تا سن ۷۵ سالگی خدمت کنند. حتی در برخی از کشورها قضاات می‌توانند به‌صورت مادام‌العمر در سمت قضایی باقی بمانند؛ به‌عنوان مثال، در نظام قضایی آمریکا قضاات تا زمانی که درخواست بازنشستگی ندهند، به صورت مادام‌العمر در این سمت باقی خواهند ماند و دولت نمی‌تواند به بازنشستگی اجباری آنان مبادرت نماید. در این کشور میانگین سن قضاات شاغلی که در دهه گذشته فوت نموده‌اند، تقریباً ۸۰ سال بوده است. (Posner, 2011: 2)

با وجود پایین بودن سن بازنشستگی در ایران، در حال حاضر به موجب برخی قوانین (مانند بند «الف» تبصره یک ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳)، امکان بازنشستگی پیش از موعد اختیاری (عمدتاً بدون سنوات ارفاقی) نیز برای قضاتی که بیش از بیست و پنج سال سابقه دارند، فراهم می‌باشد. بازنشستگی پیش از موعد قضاات از یک سو، برای نظام قضایی ایران (از جهت محروم شدن از قضاات با تجربه) آسیب محسوب می‌شود و از دیگر سو، از نظر اصول بیمه‌ای برای صندوق بازنشستگی کشوری (به دلیل محرومیت از دریافت حق بیمه و پرداخت زودتر مستمری بازنشستگی)، زیان‌بار است. اگرچه سازکار بازنشستگی پیش از موعد در بسیاری از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا برای قضاات وجود دارد؛ اما معمولاً قضاات تمایلی به آن ندارند؛ زیرا از یک سو، بازنشستگی پیش از موعد به نحو قابل توجهی از مستمری بازنشستگی آنان خواهد کاست^۱ و از دیگر سو، برخلاف رویه‌ای که در ایران وجود دارد، برای آنان (پس از بازنشستگی)، امکان اشتغال در شغل وکالت، وجود ندارد. به همین جهت، قضاات ایالات متحده آمریکا انگیزه چندانی برای بازنشستگی پیش از موعد ندارند. (Posner, 2011: 2)

با وجود آسیب‌های پایین بودن سن بازنشستگی قضاات و بازنشستگی پیش از موعد آنان، این مساله در ایران همچنان طرفدارانی دارد؛ به‌طوری که برخی همچنان قائل بر ضرورت تعدیل سن قضاات هستند؛ از نظر این گروه، با توجه به دشواری و پیچیدگی شغل قضاوت و بالا بودن حجم

۱. در نظام حقوقی کانادا نیز در صورت بازنشستگی پیش از موعد قضاات، از مستمری بازنشستگی آنان به میزان ۵ درصد، بابت هر سالی که زودتر بازنشسته شوند، کسر می‌گردد. [Canadian Judgments (enforcement) Act, 2012]

پرونده‌های ارجاعی به قضات غیرستادی (قضات شاغل در دادسراها و محاکم) و آثار منفی آن که موجب فرسودگی روحی و جسمی آنان می‌گردد و بر کیفیت تصمیمات و آرای آنان تاثیرگذار است، باید قضاوت در دادسراها و محاکم در ردیف مشاغل سخت و زیان‌آور تلقی و بر این اساس، سن بازنشستگی قضات غیرستادی، کاهش داده شود («طرح بازنشستگی زودتر از موعد مشاغل قضایی غیرستادی»، ۱۳۹۶).

با این حال، کاهش سن قضات، در جهان رویه‌ای نامتعارف محسوب می‌شود؛ به‌طوری که این اقدام در برخی کشورها واکنش‌های فراوانی را به همراه داشته است؛ به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۷ میلادی، دولت لهستان، با تصویب قانونی، با توجیه بازدهی بیشتر دادگاه‌ها سن بازنشستگی قضات دادگاه‌های عادی، دادستان‌ها و قضات دادگاه عالی را به ۶۰ سال برای زنان و ۶۵ سال برای مردان کاهش داد؛ در حالی که این سن قبلاً برای هر دو جنس ۶۷ سال تعیین شده بود؛ این اقدام که موجب خروج اجباری، برخی قضات این کشور از سمت قضایی می‌شده است، واکنش‌برانگیز شد؛ به‌طوری که دیوان دادگستری اروپا طی حکمی، دولت لهستان را به دلیل اجرای قانون کاهش سن بازنشستگی قضات در این کشور به مداخله در ساختار قضایی و تضعیف استقلال دادگاه‌های این کشور محکوم نمود. (Judgment in case C-192/18 Commission v Poland, 2019)

۲-۱. مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی قضات

در نظام حقوقی ایران، مبنای محاسبه حقوق کارمندان دولت عمدتاً «معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی که ملاک کسور بازنشستگی است در دو سال آخر خدمت با اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی» است (ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان، مصوب ۱۳۷۹).

با این حال، این مبنا (یعنی احتساب حقوق بازنشستگی بر مبنای معدل حقوق دو سال آخر خدمت)، قابل تسری به قضات که تابع مقررات استخدامی خاص هستند، نمی‌باشد (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۶۴۲، مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۲، هیات تشخیص دیوان عدالت اداری)؛ بلکه حقوق بازنشستگی قضات (همانند اعضای هیات‌های علمی دانشگاه‌ها) همچنانکه در بند «ب» ماده ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی) مقرر شده است بر مبنای جدول گروه شغلی و امتیازات مقرر در آن بوده و باید بر اساس آخرین حقوق و مزایای سال بازنشستگی محاسبه گردد (رای وحدت رویه شماره ۸۲/۱۰۲، مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۱ هیات عمومی دیوان عدالت

اداری). به عبارت دقیق‌تر «حقوق بازنشستگی قضات به ماخذ یک سی‌ام آخرین حقوق ضربدر سنوات خدمت پرداخت می‌گردد» (تبصره ۱۱ قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، مصوب ۱۳۶۱؛ رأی وحدت رویه شماره ۷۰ و ۷۱ مورخ ۲۹/۰۲/۱۳۸۱ هیات عمومی دیوان عدالت اداری).

منظور از «سنوات خدمت»، سنوات واقعی اشتغال یا سنواتی است که برای آن حق بیمه پرداخت شده باشد؛ در نتیجه، در صورتی که دارنده پایه قضایی، بخواهد با سنوات ارفاقی، بازنشسته شود، از آنجایی که در سنوات ارفاقی، حقوق اشتغال پرداخت نمی‌شود تا مبنای تعیین میزان مستمری قرار گیرد، سنوات ارفاقی نمی‌تواند مبنای میزان پرداخت حقوق بازنشستگی باشد (دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۲۰۰۹۲۷ مورخ ۱۳۹۵/۴/۸ شعبه ۱۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری و دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۰۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۱/۷ شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری).

به موجب یکی از آرای صادره از دیوان عدالت اداری، این مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی، مختص به قضات و اعضای هیات علمی است. در این رأی مقرر شده است: «حکم مقرر در تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه (مصوب ۱۳۷۴)، مصرح در حصر جواز محاسبه و پرداخت حقوق بازنشستگی و وظیفه اعضای هیات علمی و قضات دادگستری با اعمال ضرایب مربوط به آنان در هر سال است و تسری آن به مشمولان ماده ۸ قانون نظام هماهنگ که در زمره اعضای هیات علمی و قضات دادگستری محسوب نمی‌شوند، جواز قانونی ندارد». (دادنامه شماره ۸۵/۶۴۰، مورخ ۱۳۸۵/۹/۵ هیات عمومی دیوان عدالت اداری)

سوالاتی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که چرا مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی دارندگاه پایه قضایی با سایر مستخدمات دولت، متفاوت است؟

از نظر برخی از نویسندگان، استقلال قضات، مقتضی آن است که آنان از نظر حقوق و مزایا و مسائل مربوط به بازنشستگی، تابع قانون متفاوتی باشند؛ همچنانکه ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی)، آنان را از قواعد این قانون، مستثنی کرده است. این مساله در برخی از آرای صادره از دیوان عدالت اداری نیز پذیرفته شده است؛ به‌طوری که هیات تخصصی استخدامی دیوان عدالت اداری در یکی از آرای صادره بیان داشته است: «.. به موجب بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی استخدام قضات شایسته و عزل و نصب آنها از وظایف رییس قوه قضاییه می‌باشد و دخالت سایر قوا در این امر موجب نقض اصل تفکیک قوا می‌باشد و به همین لحاظ در ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، قضات از شمول قانون مذکور خارج شده‌اند». (دادنامه

شماره ۱۴۰۱۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۳۳۹، مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۵ هیات تخصصی استخدامی دیوان عدالت اداری)

تفاوت در مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی قضاات امروزه در بسیاری از کشورها نیز پذیرفته شده است؛ به عنوان مثال در نظام حقوقی کانادا نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی قضاات با سایر کارکنان دولت، تا حدی متفاوت است. در حالی که در این کشور حقوق بازنشستگی کارکنان دولت بر اساس میزان حق بیمه پرداختی آنان به صندوق های بازنشستگی و سود حاصل از سرمایه گذاری آن، محاسبه می شود، مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی قضاات، حقوق قضاات شاغل است؛ به طوری که به قضاات در زمان بازنشستگی، حقوق سالیانه ای معادل دو سوم حقوق قضاات شاغل پرداخت می شود.

[Canadian Judgments (enforcement) Act, 2012]

۲. چالش های بازنشستگی قضاات در ایران

با وجود آنکه در نظام حقوقی ایران، مسائل مربوط به بازنشستگی قضاات در قوانین و مقررات متعدد، ضابطه مند شده است اما این موضوع در عمل، با چالش های متعددی مواجه است. برخی از مهمترین چالش های موجود در این زمینه عبارتند از: عدم کفایت مستمری بازنشستگی، محدودیت های انتقال سوابق بیمه ای و فقدان حق انتخاب صندوق بازنشستگی که در این قسمت به تفکیک در مورد هر یک توضیح داده می شود.

۲-۱. عدم کفایت مستمری بازنشستگی

در بیشتر نظام های تأمین اجتماعی یکی از اصول حاکم بر بیمه های اجتماعی، اصل کفایت مزایا می باشد؛ بدین معنی که مزایا و حمایت های تأمین اجتماعی باید به نحوی باشد که بتواند زندگی مطلوب و شایسته ای را برای افراد تأمین کند و تمام هزینه یا بخشی عمده ای از آن را تحت پوشش قرار دهد. (بادینی و عصمتی، ۱۳۹۱: ۲۰۵) این اصل در نظام حقوقی ایران در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳) نیز مورد توجه قرار گرفته است (بند «ب» ماده ۹). با این حال، در ایران در عمل برخی از مزایای تأمین اجتماعی، ناکافی هستند. از جمله این موارد، مستمری بازنشستگی قضاات است که از یک سو، با حق بیمه پرداختی از سوی آنان تناسبی ندارد و از دیگر سو، عمدتاً متناسب با تورم، افزایش نمی یابد.

به موجب قانون استخدام کشوری، حق بیمه یا کسورات بازنشستگی قضاات (همانند سایر حق بیمه پردازان به صندوق بازنشستگی کشوری)، نه درصد از حقوق و فوق العاده های مستمر قضاات

(به جز حقوق قضات شاغل دارای سابقه بیش از سی سال)^۱ است؛ این در حالی است که در بیشتر کشورها حق بیمه بازنشستگی قضات، کمتر از این میزان است؛ به عنوان مثال، در نظام‌های تأمین اجتماعی ایالات متحده آمریکا و انگلستان حق بیمه بازنشستگی قضات، کمتر از ۵ درصد حقوق آنان است و یا آنکه در نظام تأمین اجتماعی کانادا، قضاتی که بعد از ۱۶ فوریه ۱۹۷۵ منصوب شده باشند باید مبلغی معادل شش درصد از حقوق خود را به عنوان حق بیمه پرداخت کنند. حتی قضاتی که قبل از ۱۷ فوریه ۱۹۷۵ به عنوان قاضی دادگاه عالی یا بخش منصوب شده‌اند، باید یک و یک دوم درصد از حقوق خود را به صندوق درآمد مشترک پرداخت کنند.

(www.canada.ca/en/government/ministers/peter-mackay.html)

در نظام تأمین اجتماعی ایران، در حالی که نه درصد از حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر قضات به کسور بازنشستگی، اختصاص می‌یابد که مبلغ عددی آن، نسبتاً بالا محسوب می‌شود، اما مستمری بازنشستگی آنان با توجه به رشد نرخ تورم، هیچگاه متناسب با کسور پرداخت شده از سوی آنان نبوده است؛ به عنوان مثال، حقوق قضات همانند سایر مشترکان صندوق بازنشستگی کشوری در سال ۱۴۰۱، ده درصد نسبت به سال ۱۴۰۰ افزایش یافت (تصویب‌نامه ضریب حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و قضات و ضریب حقوق شاغلین مشمول قانون مدیریت خدمات کشور، مصوب ۱۴۰۱/۲/۱۵). در حالی که بر اساس آمار اعلامی از سوی بانک مرکزی ایران، نرخ تورم، تنها در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۱ نسبت به سال گذشته بیش از ۵۰ درصد، بوده است. (<https://www.cbi.ir>) علاوه بر این، در برخی از سال‌ها برای حقوق بازنشستگی قضات، سقف حداکثری تعیین شده است (ر.ک: ماده ۲ تصویب‌نامه شماره ۳۷۰۷/ت/۵۷۵۰۴/هـ، مورخ ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیات وزیران).

این چالش که در طی سه دهه همواره گریبانگیر حقوق بازنشستگی قضات بوده است در برخی موارد، موجب توسل تعدادی از قضات به دیوان عدالت اداری برای احقاق حق خود شده است؛ به طوری که در همین راستا هیات عمومی دیوان عدالت اداری در یکی از آرای صادره بیان داشته است: مطابق احکام مقرر در ماده ۱۵۰ قانون برنامه چهارم توسعه و بند ک تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۶، دولت موظف بوده است در سال ۱۳۸۶ حقوق کلیه کارکنان و بازنشستگان را متناسب

۱. به موجب تبصره ۱۱ قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری (مصوب ۱۳۶۱ با اصلاحات بعدی): «مادام که حقوق بازنشستگی قضات به ماخذ یک سی‌ام آخرین حقوق ضریب سنوات خدمت پرداخت می‌گردد، از حقوق ماهانه قضاتی که با داشتن سی سال سابقه خدمت همچنان شاغل هستند کسور بازنشستگی (اعم از سهم کارمند و دولت) دریافت نخواهد شد.»

با نرخ تورم و با استفاده از منابع موجود در ردیف‌های پیش‌بینی شده برای هر دستگاه افزایش دهد. نظر به این که در مصوبه شماره ۴۷۵۷۹/ت/۳۷۴۰۹ هـ - ۱۳۸۶/۳/۳۰ هیأت وزیران، برخلاف احکام مذکور، حقوق اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و قضات کمتر از نرخ تورم و به میزان ۵/۵ درصد افزایش داده شده است، بنابراین این مصوبه به لحاظ مغایرت با قانون و مستند به بند یک ماده ۱۹ و مواد ۲۰ و ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری از تاریخ تصویب ابطال می‌شود. (دادنامه شماره ۵۱۵-۵۱۶، مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری)

عدم کفایت مستمری بازنشستگی قضات، همواره آسیب‌هایی را به دنبال داشته است؛ از جمله آنکه پایین بودن میزان مستمری بازنشستگی، موجب کاهش انگیزه شغلی قضات و افزایش درخواست‌های استعفاء، بازخریدی و بازنشستگی پیش از موعد آنان (عمدتاً جهت ورود به عرصه وکالت) در چند سال اخیر، شده است.

با توجه به این آسیب‌ها در دهه اخیر بحث متناسب‌سازی حقوق بازنشستگی قضات همچون سایر بازنشستگان، مطرح شده است. با این حال در خصوص مفهوم «متناسب‌سازی» حقوق قضات ابهاماتی پدیدار شده است؛ بدین صورت که آیا این تناسب باید صرفاً بر اساس حق بیمه پرداختی از سوی قضات سنجیده شود یا باید بر اساس عوامل دیگر همچون نرخ تورم محاسبه شود؟

این ابهام از آن جهت مطرح شده است که در چند دهه گذشته، مستمری بازنشستگی بازنشستگان به‌طور میانگین با نرخ افزایش کمتری نسبت به حقوق شاغلان رشد کرده است؛ همین موضوع سبب اختلاف فاحش حقوق بازنشستگان جدید با بازنشستگانی شده است که سال‌های بیشتری از آغاز دوره بازنشستگی آنها می‌گذرد؛ به‌طوری که دو مستخدم دولت هم‌تراز که در سال‌های متفاوتی بازنشسته شده‌اند، مستمری بازنشستگی آنها تفاوت چشمگیری دارد. به همین دلیل، این موضوع در قانون برنامه ششم توسعه (مصوب ۱۳۹۵) مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۳۰ این قانون در این زمینه مقرر می‌دارد: «دولت مکلف است بررسی‌های لازم برای برقراری عدالت در نظام پرداخت، رفع تبعیض و متناسب‌سازی دریافت‌ها و برخورداری از امکانات شاغلان، بازنشستگان و مستمری بگیران کشوری و لشکری سنوات مختلف را انجام دهد.»

در خصوص مفهوم «متناسب‌سازی»، بیشتر کارشناسان حوزه تأمین اجتماعی بر این باورند: منظور از متناسب‌سازی، همسان‌سازی مستمری بازنشستگی فرد در سال‌های گذشته با مستمری بازنشستگی فرد هم‌تراز خود در سال جاری است (به نقل از پایگاه اینترنتی سازمان تأمین اجتماعی).

در مقابل برخی دیگر معتقدند: منظور قانونگذار، همسان‌سازی مستمری فرد بازنشسته با دستمزد فرد هم‌تراز در حالت اشتغال است؛ یعنی به‌عنوان مثال هر فرد بازنشسته، تقریباً به میزان نود درصد شخص شاغل هم‌تراز خود مستمری بازنشستگی دریافت نماید. این رویکرد از سوی دیوان عدالت اداری نیز پذیرفته شده است؛ به‌طوری که در برخی آرای صادره از سوی دیوان، مقرر شده است: مستند به ماده ۲ قانون نظام هماهنگ حقوق بازنشستگی و وظیفه (مصوب ۱۳۷۳)، لزوم هماهنگی حقوق قضات بازنشسته با قضات شاغل الزاماً مستلزم افزایش آن بر اساس تغییر ضریب جدول حقوق قضات شاغل است. (دادنامه‌های شماره ۱۶۱، مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۵ و ۱۸۱، مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۲۳ هیات عمومی دیوان عدالت اداری)

با این حال، به نظر می‌رسد متناسب‌سازی به معنای واقعی، زمانی تحقق می‌یابد که تناسب مستمری بازنشستگی با حق بیمه پرداختی از سوی مستخدم دولت بر اساس نرخ تورم برقرار شود؛ این رویه در بسیاری از کشورها در پرداخت مستمری بازنشستگی قضات و سایر کارمندان دولت، قابل مشاهده است.

۲-۲. محدودیت‌های انتقال سوابق بیمه‌ای

در نظام تأمین اجتماعی ایران، یکی از مهمترین چالش‌های مربوط به بازنشستگی مستخدمان دولت، انتقال سوابق بیمه‌ای آنان است. انتقال سوابق مستخدمان دولت (با وجود شرایطی) می‌تواند موجب تجمع سوابق بیمه‌ای پیشین با سوابق بیمه‌ای ناشی از اشتغال در شغل فعلی آنان شده و آنان را حائز شرایط بازنشستگی نماید.

بر اساس قوانین و مقررات موجود در صورتی که مستخدم دولت، قبلاً در شغل دیگری اشتغال داشته و عضو صندوق بیمه‌ای دیگر (متفاوت با صندوق بازنشستگی کشوری) بوده باشد، می‌تواند سوابق بیمه‌ای خود را به صندوق بازنشستگی فعلی منتقل نماید (مواد ۲ و ۳ قانون نقل و انتقال سوابق حق بیمه یا کسور بازنشستگی بین صندوق‌های بازنشستگی و تجمع سوابق بیمه‌ای اشخاص، مصوب ۱۴۰۲).

با این حال، این انتقال با محدودیت‌های متعددی، مواجه است. این محدودیت‌ها که در مورد انتقال سوابق بیمه‌ای قضات دادگستری نیز وجود دارد (و حتی در برخی موارد بیشتر از سایر مستخدمان دولت است)، به شرح زیر است؛

نخست، عدم امکان تغییر صندوق بیمه‌ای بیش از یک بار: به موجب «ضوابط نقل و انتقال حق بیمه و کسورات بیمه‌ای بین صندوق‌های بیمه» (مصوب ۱۳۸۰/۳/۲۷ هیات وزیران)، در نظام تأمین اجتماعی ایران، تغییر صندوق بیمه‌ای (یا به تعبیر دقیق‌تر امکان انتقال سوابق بیمه‌ای) بیش از یک بار امکان‌پذیر نیست. بر این اساس چنانچه شخصی، پیش از اشتغال به قضاوت، به ترتیب سابقه اشتغال در یک شرکت خصوصی و حرفه وکالت دادگستری را داشته باشد و در زمان اشتغال به وکالت، سوابق بیمه‌ای خود را از سازمان تأمین اجتماعی به صندوق کانون وکلاء منتقل کرده باشد، دیگر نمی‌تواند سوابق بیمه‌ای خود را از صندوق کانون وکلاء دادگستری به صندوق بازنشستگی کشوری (به‌عنوان صندوق بازنشستگی فعلی)، انتقال دهد.

دوم، پرداخت ما به التفاوت حق بیمه: انتقال سوابق بیمه‌ای از یک صندوق به صندوق دیگر عمدتاً مستلزم پرداخت مبلغی به صندوق بازنشستگی مقصد می‌باشد. در واقع، در صورت تقاضای مستخدم جهت احتساب سوابق غیررسمی به‌عنوان سوابق رسمی، دستگاه محل اشتغال وی مکلف است همزمان با قبول تقاضا نسبت به انتقال حق بیمه مستخدم از صندوق مبدا، اقدام و سپس ما به‌التفاوت حق بیمه متعلقه توسط صندوق بازنشستگی کشوری (به‌عنوان صندوق مقصد)، محاسبه شود و به صورت یکجا و یا اقساط (حداکثر به مدت ماه‌های بیمه‌پردازی) به حساب این صندوق واریز شود. در صورتی که بنا بر آن باشد، ما به التفاوت به اقساط دریافت شود، اقساط تعیین شده از حقوق دارنده پایه قضایی (برمبنای سنوات باقیمانده تا بازنشستگی)، همه ماهه از حقوق وی، کسر خواهد شد (بند ۳ بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۶۷۹۴۷/۵۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۵ اداره کل کارگزینی قضات).

معیارهای تعیین میزان ما به التفاوت قابل پرداخت، عمدتاً دو عامل است؛ یکی، مدت زمان سوابق قبلی و دیگری، آخرین حقوق‌های دریافتی وی (شامل: آخرین حقوق دریافتی دارنده پایه قضایی در زمان درخواست انتقال سوابق بیمه‌ای و آخرین حقوق دریافتی وی در زمان عضویت در صندوق سابق). با توجه به اینکه معمولاً حقوق دریافتی دارنده پایه قضایی در صندوق بازنشستگی پیشین (و به تبع آن حق بیمه‌های پرداختی وی به آن صندوق)، نسبت به حقوق دریافتی وی در صندوق بازنشستگی کشوری (بویژه به دلیل افزایش سالانه حقوق و افزایش ناشی از اعطای گروه شغلی) به مراتب کمتر است، در بیشتر موارد قضات برای انتقال سوابق بیمه‌ای باید مبلغ هنگفتی را بپردازند. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد در برخی موارد به دلیل بالا بودن این مبلغ، قضات تمایل چندانی به انتقال سوابق ندارند.

با توجه به اینکه این مساله برای مستخدمان دولت بویژه قضات دادگستری، یک مشکل اساسی محسوب می‌شود، قانونگذار در برخی قوانین سعی نموده است، این مشکل را برای برخی گروه‌ها تعدیل نماید؛ از جمله آنکه در قانون برنامه ششم توسعه (مصوب ۱۳۹۶) مقرر شده است: آن دسته از مستخدمانی که جزو ایثارگران، فرزندان شهداء، آزادگان، جانبازان و رزمندگان با حداقل دوازده ماه سابقه حضور در جبهه هستند برای یک بار از پرداخت ما به التفاوت برای پانزده سال سنوات بیمه‌ای ناشی از تغییر صندوق بیمه‌ای معاف هستند و این مبلغ به عنوان مطالبات صندوق بازنشستگی کشوری از دولت، محسوب خواهد شد (بند خ ماده ۸۸).

سوم، عدم احتساب سوابق خدمت غیر دولتی در محاسبه سنوات خدمت لازم برای بازنشستگی: در یک تقسیم‌بندی کلی اشتغال شخص از نظر رابطه استخدامی با دولت یا بخش خصوصی را می‌توان به سوابق خدمت دولتی و سوابق خدمت غیر دولتی تقسیم نمود.

منظور از سوابق خدمت دولتی، سابقه خدمت تمام وقت در وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها است، مشروط به آنکه، شخص دارای رابطه استخدامی با آن دستگاه بوده باشد، به‌طور تمام وقت (۴۴ ساعات در هفته) کار کرده باشد و در قبال کار، حقوق یا دستمزد دریافت نموده باشد (ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری). دیوان عدالت اداری در توصیف خدمت دولتی بیان داشته است: وجوه مشخصه خدمت دولتی، اشتغال به کار مستمر در یکی از واحدهای دولتی به دستور مقام ذیصلاح و دریافت حقوق یا دستمزد در قبال انجام وظایف محوله است (دادنامه شماره ۴۵۹-۴۵۸، مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۵ هیات عمومی دیوان عدالت اداری). با این حال در برخی از بخشنامه‌های صادره از سوی قوه قضاییه، اوصاف دیگری نیز برای «خدمت دولتی» بیان شده است؛ مانند آنکه علاوه بر تمام وقت بودن، «متوالی» نیز باشد. دیگر آنکه برای آن خدمت، صرفنظر از نوع رابطه استخدامی (که می‌تواند شامل رسمی، پیمانی، موقت و روزمزدی تمام وقت باشد) باید حقوق مستخدم از بودجه دولتی، پرداخت شود (بند ۱ بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۶۷۹۴۷/۵۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۵ اداره کل کارگزینی قضات).

دیوان عدالت اداری نیز چنین رویکردی داشته و جمع همه شرایط فوق را برای خدمت دولتی، لازم دانسته است؛ به‌طوری که در برخی آرای صادره از سوی شعب دیوان، اشتغالی که تمام وقت نبوده است، هر چند پرداخت حقوق از بودجه دولتی صورت گرفته بود را مصداق خدمت دولتی ندانسته است (دادنامه شماره ۱۶۴۳-۹۵۵۴۰۹۵۷۰۹۵۰۹۹۷، مورخ ۱۳۹۵/۶/۹ شعبه ۲۹ دیوان عدالت اداری). بر همین اساس، دیوان در مورد اشخاصی که به‌صورت ساعتی در دستگاه دولتی اشتغال به

کار داشته‌اند در آرای خود بر این عقیده بوده است: قراردادهای پاره وقت و ساعتی، تمام وقت نیستند تا به‌عنوان سابقه خدمت دولتی محسوب گردند (دادنامه شماره ۱۴۰۱۳۱۳۹۰۰۲۰۷۷۲۵۵، مورخ ۱۴۰۱/۹/۵ شعبه ۲۹ دیوان عدالت اداری). این موضوع در یکی از آرای صادره بدین صورت بیان شده است: در خصوص دادخواست تقدیمی آقای (م.ع.) به طرفیت سازمان بهزیستی و سازمان تأمین اجتماعی، به خواسته الزام ردیف اول به احتساب ایام خدمت اشتغال پاره وقت و ساعتی شاکی موضوع قراردادهای ضمیمه پرونده به شماره... به‌عنوان سابقه خدمت دولتی و پرداخت حق بیمه ایام مذکور و الزام ردیف دوم به قبول حق بیمه و احتساب آن به‌عنوان سابقه بیمه به شرح مندرجات دادخواست و ضمائم پیوستی ... نظر به اینکه طبق ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری، خدمت تمام وقت کارکنان به‌عنوان سابقه خدمت دولتی محسوب می‌گردد و چون به موجب قراردادهای تنظیمی میان شاکی و سازمان بهزیستی خدمت نامبرده به صورت پاره وقت و ساعتی بوده، بنابراین خدمت مذکور تمام وقت محسوب نمی‌گردد و شکایت غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. (دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۸۰۱۹۲۲، مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ شعبه ۸ دیوان عدالت اداری)

سوابق خدمت دولتی با اوصاف بیان شده، خود به دو دسته قابل تقسیم است؛ سابقه خدمت دولتی رسمی و سابقه خدمت دولتی غیررسمی. سابقه خدمت دولتی رسمی، سابقه اشتغال در دستگاه دولتی و پرداخت حق بیمه به صندوق بازنشستگی کشوری است؛ به‌عنوان مثال، ایام کارآموزی قضایی به‌عنوان سابقه خدمتی دولتی رسمی محسوب می‌شود. (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۱۸۰۳، مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۴، شعبه ۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری) این نوع سوابق خدمت دولتی، نیازمند به درخواست انتقال سوابق بیمه و پرداخت ما به التفاوت حق بیمه از سوی شخص نیست؛ در واقع، مدت کارآموزی قضایی با پرداخت حقوق معادل پایه ۴ قضایی در حکم خدمت قضایی محسوب می‌شود. (ماده ۶ قانون استخدام قضات و شرایط کارآموزی، مصوب ۱۳۴۳ و اصلاحیه ۱۳۴۷)

سابقه خدمت دولتی غیررسمی، سابقه خدمت مستخدمان در وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی (به شرط قرارداد خدمت با دستگاه و دریافت حقوق از منابع دولتی)، در حالت عدم اشتراک با صندوق بازنشستگی کشوری است. سوابق خدمت دولتی غیررسمی مستخدمان، تنها در صورتی که حق بیمه یا کسور بازنشستگی آن به صندوق بازنشستگی کشوری، منتقل شده باشد جزو سنوات خدمت دولتی رسمی آنان از لحاظ بازنشستگی، محسوب می‌شود (تصویب‌نامه شماره ۵۹۵۲۲، مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۷ هیات وزیران)؛ به‌عنوان مثال، زمانی که

شخص در خدمت نظام وظیفه بسر می‌برد، سابقه خدمت وی، دولتی محسوب می‌شود. تجمیع سوابق خدمت دولتی با سوابق خدمت قضایی عمده‌تاً نیازمند به درخواست دارنده پایه قضایی است؛ در اینصورت به دنبال درخواست وی و پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه، مدت خدمت نظام وظیفه جزو سوابق لازم برای بازنشستگی، به شمار خواهد آمد و از جانب دستگاه دولتی محل اشتغال باید جزو سنوات لازم برای بازنشستگی وی احتساب شود. (دادنامه شماره ۷۴۷ مورخ ۱۳۹۹/۶/۴ هیات عمومی دیوان عدالت اداری)

در مقابل، سوابق خدمت غیردولتی، سابقه خدمت تمام وقت در مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی (دارای گواهی ثبت شرکت) توأم با بیمه‌پردازی به سازمان تأمین اجتماعی یا صندوق بازنشستگی دیگر است. این سوابق در صورتی که مستخدم، تقاضای کتبی خود را مبنی بر تأثیر سوابق غیردولتی در حقوق بازنشستگی به دستگاه محل اشتغال خود بدهد و ما به التفاوت حق بیمه را به حساب صندوق بازنشستگی کشوری بپردازد، صرفاً در تعیین حقوق بازنشستگی وی مؤثر خواهد بود؛ بدون آنکه جزو سنوات لازم برای بازنشستگی وی محسوب شود. (قانون تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در حقوق بازنشستگی کارکنان دولت، مصوب ۱۳۷۹)

دیوان عدالت اداری نیز ضمن پذیرش این مساله در برخی از آرای خود، قیدهایی را به آن افزوده است؛ از جمله آنکه این درخواست باید در زمان بازنشستگی تقدیم شود. به موجب یکی از آرای صادره از شعب دیوان، مستخدمین دولت به منظور برخورداری از سوابق خدمت غیردولتی خود موظفند «در هنگام بازنشستگی» کتباً تقاضا نمایند که سوابق خدمت غیر دولتی آنان با پرداخت مابه التفاوت کسورات متعلقه سهم مستخدم و کارفرما به صندوق بیمه دولتی منتقل و در محاسبه حقوق بازنشستگی منظور گردد. (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۲۴۳۷، مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۷ شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری)

از جمله شایع‌ترین سوابق خدمتی که برخی دارندگان پایه قضایی پیش از اشتغال به قضاوت آن را کسب نموده‌اند، سوابق بیمه‌پردازی به مرکز خدمات حوزه علمیه (عمده‌تاً در مورد قضاات روحانی) و یا صندوق حمایت از وکلای دادگستری (در مورد قضاتی که سابقه وکالت دارند) می‌باشد. از نظر اداره کل کارگزینی قضاات، با توجه به مفاد ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری، سوابق بیمه‌پردازی قضاات به مرکز خدمات حوزه علمیه و یا صندوق حمایت از وکلای دادگستری، به‌عنوان سوابق خدمت دولتی، قابل احتساب نیست؛ زیرا این اشخاص، فاقد سابقه استخدامی مذکور در قانون مذکور بوده و صرفاً سابقه پرداخت حق بیمه دارند؛ از این رو با توجه به قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی

در احتساب حقوق بازنشستگی (مصوب ۱۳۷۲)، پس از رسیدن به شرایط عمومی بازنشستگی و در صورت تقاضای مستخدم و واریز ۲۲/۵ درصد کسور بازنشستگی از آخرین حقوق و مزایای قبل از بازنشستگی، این سوابق صرفاً در تعیین حقوق یا مستمری بازنشستگی و وظیفه قابل احتساب می‌باشد (بند ۴ بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۶۷۹۴۷/۵۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۵ اداره کل کارگزینی قضات).

بنابراین، در مورد سوابق خدمت غیردولتی، اگرچه این سوابق به درخواست دارنده پایه قضایی به صندوق بازنشستگی کشوری قابل انتقال است اما در صورت پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه و انتقال، فقط در افزایش حقوق بازنشستگی، مؤثر است و با سوابق قضایی (به منظور بازنشستگی)، قابل تجمیع نیست. این در حالی است که برعکس آن، صادق است؛ یعنی، سوابق خدمت قضایی قضات در صورت اشتغال آنان (بعد از شغل قضاوت) در بخش خصوصی و عضویت در صندوق‌های بازنشستگی دیگر، برای سنوات بازنشستگی قابل احتساب است؛ به‌عنوان مثال، طبق ماده ۱۳ قانون تشکیل صندوق حمایت از وکلا (مصوب ۱۳۵۵) به‌طور مطلق سوابق خدمت رسمی قضات و کارمندان دولت ... از لحاظ بازنشستگی جزء سابقه وکالت محسوب می‌شود. دیوان عدالت اداری نیز در یکی از آرای صادره در این زمینه بیان داشته است: کلیه سوابق خدمت رسمی قضات، از لحاظ بازنشستگی، قابل احتساب جزء سابقه وکالت است (دادنامه شماره ۷۹/۲۲۴، مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۷ هیات عمومی دیوان عدالت اداری)؛ بنابراین در مواردی که دارنده پایه قضایی پیش از آنکه حائز شرایط بازنشستگی در شغل قضاوت شود، به هر دلیل از جمله استعفاء از سمت قضایی از دستگاه قضایی، منفک شود و پروانه وکالت اخذ نماید، مدت زمان اشتغال وی در شغل قضاوت جزو سنوات لازم برای بازنشستگی، احتساب خواهد شد.

این سیاست دوگانه در نظام تأمین اجتماعی ایران، قابل تأمل به نظر می‌رسد؛ زیرا مشخص نیست؛ چرا با وجود آنکه شخص برای انتقال سوابق خدمت غیردولتی خود به صندوق بازنشستگی کشوری، مبلغ هنگفتی را به عنوان مابه‌التفاوت پرداخت می‌نماید اما سوابق بیمه‌ای وی جزو سنوات لازم برای بازنشستگی به شمار نمی‌آید.

قوانین و مقررات موجود با چنین رویکردی، قابل انتقاد هستند؛ زیرا سوابق کار افراد را تنها به بهانه تغییر شغل و جلوگیری از تضرر به صندوق مقصد، نادیده می‌گیرند؛ در حالی که آنچه از لحاظ اصول بیمه‌های اجتماعی مهم است و شرط لازم برای دریافت مزایا محسوب می‌شود سابقه کاری است که بابت آن حق بیمه پرداخت شده است؛ در نتیجه، تغییر شغل و صندوق نباید به این حق مكتسب، لطمه وارد کند. (بادینی، ۱۳۸۷: ۸۰)

چهارم، ضرورت بیمه‌پردازی به صندوق بازنشستگی کشوری به میزان سال‌های معین: به موجب «قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیر دولتی در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری کارکنان دولت» (مصوب ۱۳۷۲)، در صورت انتقال سوابق خدمت غیردولتی از صندوق دیگر به صندوق بازنشستگی کشوری، ضرورت دارد که قضات به مدت بیست سال به این صندوق، بیمه‌پردازی نمایند و در این صندوق سوابق بیمه‌ای لازم برای بازنشستگی را کسب نمایند. این موضوع از سوی دیوان عدالت اداری نیز پذیرفته شده است؛ به‌طوری که در یکی از آرای صادره از سوی دیوان بیان شده است: «در خصوص شکایت مذکور [به خواسته الزام به احتساب سنوات خدمتی شرکتی به عنوان سنوات خدمتی]، نظر به اینکه به دلالت قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی (مصوب ۱۳۷۲)، سابقه خدمت شاکی در مؤسسات غیر دولتی صرفاً در تعیین حقوق بازنشستگی آن هم با داشتن حداقل بیست سال سابقه خدمت دولتی مؤثر می‌باشد و سنوات خدمت غیر دولتی در محاسبه سنوات خدمت دولتی منظور نمی‌گردد، علیهذا با این وصف شکایت وی را غیر وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۲)، حکم به رد شکایت را صادر و اعلام می‌دارد». (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۸۲، مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۱ شعبه ۱۰ دیوان عدالت اداری)

البته منظور از داشتن بیست سال سابقه، سابقه بیمه‌پردازی به مدت بیست سال است و شامل سنوات ارفاقی نمی‌شود؛ این مساله در برخی آرای صادره از دیوان عدالت اداری نیز بدین صورت منعکس شده است: «نظر به اینکه مطابق ماده واحده قانون نحوه احتساب سوابق غیر دولتی و احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری کارکنان دولت (مصوب ۱۳۷۲) شرط پذیرش سنوات خدمت غیردولتی کارکنان در سوابق دولتی و پرداخت حقوق بازنشستگی، داشتن حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی در زمان بازنشستگی است و از طرفی، سوابق خدمت دولتی تجدیدنظرخوانده کمتر از ۲۰ سال بوده است و سنوات ارفاقی مشمول عنوان خدمت دولتی نمی‌باشد و لذا شکایت مطروحه منطبق بر مقررات قانونی نبوده و دادنامه مورد اعتراض بدون التفات به موارد اعلامی صادر شده است». (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۲۲۶۷، مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۶ شعبه ۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری)

شرط بیمه‌پردازی به صندوق بازنشستگی کشوری به مدت بیست سال، قابل انتقاد بوده و از نظر بیمه‌ای مبنای مستحکمی ندارد؛ زیرا مشخص نیست چرا مستخدم دولت در مواردی که از صندوق‌های بازنشستگی دیگر، سوابق خدمتی قابل احتساب برای بازنشستگی کسب کرده است، باید

به صندوق بازنشستگی کشوری به میزان بیست سال بیمه‌پردازی نماید تا حائز شرایط بازنشستگی شود. این شرط در نظام حقوقی بسیاری از کشورها در مورد قضاوت، مشاهده نمی‌شود؛ به عنوان مثال در نظام حقوقی انگلستان چنانچه شخص ۱۵ سال سابقه قضاوت داشته و به میزان همین مدت به صندوق بازنشستگی فعلی (که با کسب مقام قضایی به عضویت آن در آمده است)، بیمه‌پردازی نماید، سوابق خدمتی وی برای بازنشستگی، کافی محسوب می‌شود. (Ministry of Justice, 2022: 3-6)

۳-۲. فقدان حق انتخاب صندوق بازنشستگی

از نظر برخی قضاوت، بسیاری از مشکلات مربوط به نظام بازنشستگی آنان به ضعف صندوق بازنشستگی‌ای که آنان عضو آن هستند، یعنی صندوق بازنشستگی کشوری باز می‌گردد. صندوق بازنشستگی کشوری در حال حاضر بشدت با کسری منابع مالی مواجه است؛ به طوری که در حال حاضر بیش از پنجاه درصد منابع مالی آن به طور مستقیم از بودجه سالانه کشور تأمین می‌شود. علاوه بر این، این صندوق بر اساس استانداردهای سازمان بین‌المللی کار یک صندوق ورشکسته محسوب می‌شود؛ زیرا در حالی که طبق معیارهای این سازمان، تعداد شاغلان بیمه‌پرداز به بازنشستگان باید حداقل شش به یک باشد، در صندوق بازنشستگی کشوری این نسبت تقریباً یک به یک می‌باشد (رستمی، ۱۳۹۷: ۳۹-۳۷). البته این موضوع به نوع نظام بازنشستگی که صندوق از آن تبعیت می‌نماید یعنی نظام مزایای معین نیز مربوط است. در نظام مزایای معین، مستمری بازنشستگی بازنشستگان کنونی از محل پرداخت حق بیمه ماهیانه شاغلان کنونی به صندوق بازنشستگی تأمین می‌شود. با توجه به اینکه به دلایل متعدد (همچون کاهش استخدام رسمی در دستگاه‌های دولتی)، بیمه‌پردازی به صندوق بازنشستگی کشوری کاهش یافته است، این صندوق (تحت تأثیر این عامل در کنار عوامل دیگر) با بحران مالی مواجه شده است.

با وجود این چالش‌ها دارندگان پایه قضایی، چنانچه پیش از اشتغال در شغل قضاوت، عضو صندوق بازنشستگی دیگری بوده باشند، پس از شروع به اشتغال به قضاوت، نمی‌توانند در عضویت، آن صندوق (حتی صندوق سازمان تأمین اجتماعی که یک صندوق بازنشستگی باز و عمومی است)، باقی بمانند و در زمان اشتغال به شغل قضاوت نیز برای آنان امکان خروج از عضویت در صندوق بازنشستگی کشوری و پیوستن به سازمان تأمین اجتماعی وجود ندارد. این در حالی است که به موجب قانون مدیریت خدمات کشوری، برای سایر مستخدمان رسمی دولت، حق انتخاب صندوق

بازنشستگی و یا تغییر صندوق بازنشستگی (بدون تغییر شغل آنان)، وجود دارد. در این خصوص، ماده ۱۰۱ این قانون مقرر می‌دارد: «...کارمندان رسمی را که پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، می‌توان برای مشاغل حاکمیتی در دستگاه‌های اجرایی استخدام نمود از لحاظ برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی حسب تقاضای خود مشمول قانون تأمین اجتماعی یا قوانین بازنشستگی مورد عمل دستگاه اجرایی ذی ربط قرار می‌گیرند.» همچنین، ماده ۱۰۲ این قانون در ارتباط با امکان تغییر صندوق بازنشستگی، بیان می‌دارد: «کارمندان می‌توانند در صورت تمایل به جای سازمان تأمین اجتماعی یا سازمان بازنشستگی کشوری مشمول مقررات یکی دیگر از صندوق‌های بیمه‌ای قرار گیرند. در این صورت سهم کارفرمایی دولت برای خدمات تأمین اجتماعی حداکثر به میزان سهم کارفرمایی مقررات قانون تأمین اجتماعی می‌باشد و مابه التفاوت توسط کارمندان پرداخت می‌گردد. این قبیل کارمندان از لحاظ بازنشستگی، وظیفه، از کارافتادگی و نظایر آن مشمول مقررات صندوقی که انتخاب کرده‌اند، می‌باشند. تغییر صندوق در طول مدت قرارداد فقط یک بار امکانپذیر می‌باشد».

با وجود آنکه مقرر «ضوابط نقل و انتقال حق بیمه و کسورات بیمه‌ای بین صندوق‌های بیمه» (مصوب ۱۳۸۰ هیأت وزیران)، چنین حقی را برای دارندگان پایه قضایی، قائل شده و بیان داشته است: «شاغلان مشترک هر یک از صندوق‌های بیمه... می‌توانند نسبت به تغییر صندوق بیمه خود اقدام کنند» (ماده ۱) و «بیمه‌شدگان جدیدالاستخدام می‌توانند قبل از صدور حکم استخدام قطعی نسبت به انتخاب صندوق بیمه خود اقدام نمایند» (تبصره ماده ۲) اما در عمل، چنین حق انتخابی برای قضات دادگستری وجود ندارد و آنان باید الزاماً عضو صندوق بازنشستگی کشوری باشند؛ زیرا به موجب قانون استخدام کشوری، همه مستخدمان رسمی دولت (از جمله قضات دادگستری) اجباراً باید عضو صندوق بازنشستگی کشوری باشند و مقرر فوق، توان معارضه با قانون را ندارد.

بنابراین به منظور تغییر در وضع موجود به اصلاحات قانونی نیاز است؛ با این حال، با توجه به وضعیت بحرانی صندوق بازنشستگی کشوری (و این مساله که خروج بیمه پردازان از آن می‌تواند وضعیت آن را بحرانی‌تر نماید)، قانونگذار نه تنها هیچ تلاشی برای اصلاح قوانین و ایجاد حق انتخاب (میان صندوق‌ها) برای دارندگان پایه قضایی، ننموده است، بلکه همواره به دنبال حفظ اعضای صندوق بوده است؛ نمونه‌ای از این رویکرد را در قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۵) می‌توان مشاهده نمود. طبق این قانون، کارکنان تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری می‌توانند در صورت انتقال به سایر دستگاه‌ها یا بازرخیدی، اخراج، استعفا و استفاده از مرخصی بدون حقوق، بدون محدودیت زمان (به شرط عقد قرارداد با صندوق بازنشستگی کشوری و

پرداخت ماهانه ۲۲/۵ درصد کسور بازنشستگی و مقرری ماه اول توسط مستخدم خویش فرما) همچنان مشمول صندوق بازنشستگی خود باشند (دستورالعمل چگونگی اجرای بند الف ماده ۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۵). این در حالی است که امروزه در بسیاری از کشورها قضات در میان صندوق‌های بازنشستگی موجود، حق انتخاب دارند؛ به‌عنوان مثال در نظام حقوقی انگلستان برای قضات، از نظر عضویت در صندوق‌های بازنشستگی، حق انتخاب و تغییر به‌طور گسترده وجود دارد. (Ministry of Justice, 2022:3-6)

۳. نتیجه‌گیری

حق بر بازنشستگی قضات به‌عنوان یکی از حقوق استخدامی آنان، نزدیک به یک قرن است که در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، از یک سو در خصوص شرایط بهره‌مندی از این حق، ابهامات قانونی متعددی وجود دارد و از دیگر سو، بهره‌مندی عادلانه قضات از این حق با ابهامات و چالش‌هایی مواجه است. با توجه به اهمیت مساله بازنشستگی قضات و ابهامات و چالش‌های موجود در این زمینه، مقاله کنونی، رویکرد نظام حقوقی ایران به بازنشستگی قضات دادگستری را بررسی نموده است. در این راستا در قسمت نخست مقاله در مورد شرایط بازنشستگی قضات و مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی آنان و در قسمت دوم آن در مورد چالش‌های بازنشستگی قضات توضیح داده شد. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد عدم کفایت مستمری بازنشستگی، محدودیت‌های انتقال سوابق بیمه‌ای و فقدان حق انتخاب صندوق بازنشستگی، مهم‌ترین چالش‌های کنونی حق بر بازنشستگی قضات دادگستری در ایران هستند. به منظور برون رفت یا تعدیل این چالش‌ها انجام اصلاحات قانونی، ضروری به نظر می‌رسد. اصلاح نظام بازنشستگی قضات بویژه متناسب سازی مستمری بازنشستگی که موجب تأمین معیشت متناسب با شان آنان خواهد شد، به احتمال فراوان، این قشر را از سوق‌گیری به سمت وکالت و یا اشتغال مجدد در دستگاه‌های اجرایی با هدف تأمین معیشت، باز می‌دارد. این موضوع علاوه بر اینکه موجب کاهش هزینه‌های وارده از سوی جامعه و کلا و برخی از مسوولان دستگاه‌های دولتی از قضات (به دلیل اشتغال مجدد پس از بازنشستگی) می‌شود، موجب فراهم شدن بستر گسترده‌تر برای نیروهای جوان در برخی مشاغل همچون وکالت خواهد شد.

اصلاح قانونی دیگری که می‌توان پیشنهاد نمود، اصلاح در قوانین و مقررات مربوط به انتقال سوابق بیمه‌ای آنان است؛ در این راستا پیشنهاد می‌شود سوابق خدمت غیردولتی در صورتی که با

امور حقوقی مرتبط باشند مانند اشتغال به شغل وکالت دادگستری، نماینده حقوقی دستگاه‌های دولتی و یا کارشناس حقوقی بخش‌های خصوصی یا دولتی، در صورت انتقال سوابق به صندوق بازنشستگی کشوری و پرداخت ما به التفاوت، جزو سنوات لازم برای احتساب بازنشستگی به شمار آیند. در نهایت به عنوان پیشنهاد دیگر باید مساله حق انتخاب قضات در انتخاب صندوق بازنشستگی را افزود. در این راستا لازم است مفاد مقرر «ضوابط نقل و انتقال حق بیمه و کسورات بیمه‌ای بین صندوق‌های بیمه» (مصوب ۱۳۸۰ هیات وزیران) که بیان می‌دارد: «شاغلان مشترک هر یک از صندوق‌های بیمه... می‌توانند نسبت به تغییر صندوق بیمه خود اقدام کنند» و «بیمه شدگان جدیدالاستخدام می‌توانند قبل از صدور حکم استخدام قطعی نسبت به انتخاب صندوق بیمه خود اقدام نمایند»، در اصلاحات قانونی آتی، در قوانین گنجانده شوند تا بدین وسیله برای قضات نیز همانند سایر مستخدمان دولت، حق انتخاب وجود داشته باشد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

کتاب‌ها

بادینی، حسن و رستمی، مرتضی (۱۴۰۱)، حقوق تأمین اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

رستمی، مرتضی (۱۳۹۷)، الگوی حقوقی شایسته صندوق‌های بازنشستگی در نظام تأمین اجتماعی ایران، تهران: میزان

کسرای‌نژاد، مسعود و همکاران (۱۳۹۵)، نظام بازنشستگی کارکنان دولت در کشورهای منتخب، زیر نظر: موسسه راهبردهای بازنشستگی، صبا، تهران: نذا

مقاله‌ها

بادینی، حسن و عصمتی، زینب (۱۳۹۱). «زمینه‌های تحقق اصول حاکم بر حقوق تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۴.

بادینی، حسن (۱۳۸۷). «جستاری نقادانه در نظام حقوقی تأمین اجتماعی ایران»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، ش ۴.

— آراء

دادنامه شماره ۱۰۳۳۹، مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۵، هیات تخصصی استخدامی دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۱۶۱، مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۵، هیات عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۱۸۱، مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۲۳، هیات عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۷۹/۲۲۴، مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۷، هیات عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۲۳۹۴، مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۵، هیات عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۴۵۹-۴۵۸، مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۵، هیات عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۵۱۵-۵۱۶، مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۴، هیات عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۸۵/۶۴۰، مورخ ۱۳۸۵/۹/۵، هیات عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۷۴۷، مورخ ۱۳۹۹/۶/۴، هیات عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۸۰۱۹۲۲، مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹، شعبه ۸ دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۹۰۵۱۰۰۶۴۲، مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۲، هیات تشخیص دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۸۲، مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۱، شعبه دهم دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۰۲۴۳۷، مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۷، شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۱۸۰۳، مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۴، شعبه ۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۲۲۶۷، مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۶، شعبه ۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۴۰۱۶۴۳، مورخ ۱۳۹۵/۶/۹، شعبه ۲۹ دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۱۴۰۱۳۱۳۹۰۰۲۰۷۷۲۵۵، مورخ ۱۴۰۱/۹/۵، شعبه ۲۹ دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۲۰۰۹۳۷، مورخ ۱۳۹۵/۴/۸، شعبه ۱۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۰۵، مورخ ۱۳۹۵/۱/۷ شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری
رای وحدت رویه شماره ۸۲/۱۰۲، مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۱ هیات عمومی دیوان عدالت اداری
رای وحدت رویه شماره ۷۰ و ۷۱ مورخ ۲۹/۰۲/۱۳۸۱ هیات عمومی دیوان عدالت اداری

- سایر

آیین نامه تعیین گروه‌های شغلی و ضوابط مربوط به ارتقای گروه و تغییر مقام قضاوت (مصوب ۱۳۹۶/۸/۱۴ رییس قوه قضاییه)

بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۶۷۹۴۷/۵۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۵ اداره کل کارگزینی قضات

تصویب نامه شماره ۵۹۵۲۲، مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۷ هیات وزیران

دستورالعمل ترفیع دارندگان پایه قضایی مصوب ۱۳۹۸ ریاست محترم قوه قضاییه

دستورالعمل چگونگی اجرای بند الف ماده ۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۵)

ضوابط نقل و انتقال حق بیمه و کسورات بیمه‌ای بین صندوق‌های بیمه (مصوب ۱۳۸۰ هیات وزیران)

طرح بازنشستگی زودتر از موعد مشاغل قضایی غیرستادی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶

نامه شماره ۴۰۷/ص/۵۰۲۶، مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۲ مدیرکل صندوق بازنشستگی کشوری استان مازندران

ب. انگلیسی

Canadian Judgments (enforcement) Act, 2012

Court of Justice of the European Union (2019). Judgment in case C-192/18 Commission v Poland.

Ministry of Justice (2022). Judicial Pension Scheme in UK.

Posner, Eric A. et. Al (2011). The Law and Policy of Judicial Retirement, University of Chicago Law School, John M. Olin Law & Economics Working Paper no. 550.

پ. پایگاه‌های اینترنتی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به نشانی اینترنتی: <https://www.cbi.ir>

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، به نشانی اینترنتی: <https://rc.majlis.ir/fa>

وزارت دادگستری کانادا، به نشانی اینترنتی:

www.canada.ca/en/government/ministers/

دیوان دادگستری اروپا، به نشانی اینترنتی: <https://european-union.europa.eu>

سازمان تأمین اجتماعی، به نشانی اینترنتی: <https://tamin.ir>